

شخصیتها و آثار مرقی

رفقا، هم‌زمان و دوستانان فرهنگ بالنده!

به منظور نضج گرفتن هسته های فرهنگ پیشرو در میان مبارزان متعلق به جنبش چپ انقلابی کشورمان و آشنایی آنان با درخشان-چهره های جنبش چپ جهانی و آفریده های ماندگار آنان، به کار مشترک می آغازیم و آرزومندیم، تا با ارسال مواد لازمی در این عرصه با ما همکاری نموده و صفحه تان را غنا بخشید!

آنتونیو گرامشی:



زنده گینامهء مختصر و معرفی کتاب «دولت و جامعهء مدنی»

آنتونیوگرامشی، این انقلابی راستین جنبش کارگری دهه های اول قرن بیستم میلادی در ایتالیا، در میان مبارزان جنبش چپ کشورما چهرهء چندان آشنا نیست. آثار او جای خود را در فرهنگ جنبش انقلابی افغانستان، آن گونه که شایستهء اوست، باز نکرده اند. بناً اقدام ما کوششی در جهت آشنایی با زنده گی و آرایهء برخی نظریه های این انقلابی بزرگ میباشد

طارق پیکار

زنده گینامهء مختصر:

آنتونیوگرامشی فرزند چهارم فرانچسکوگرامشی و پینامارچاس در «۲۲ جنوری ۱۸۹۱ م.» در شهر «آلسِ ایتالیا» به دنیا آمد.

موصوف در جریان تحصیل از شاگردان ممتاز به شمار می آمد.

در همان سالهایی که وی هنوز متعلم مکتب بود، پدرش را به خاطر اشتراک در بازیهای سیاسی و انتخاباتی زندانی ساختند. آنتونیو، برعلاوهء علاقه مندیش به امور فراگیری معرفت و تحصیل دانش، به کارهای دستی و عملی نیز پرداخت؛ چنانچه، در یادداشت‌هایش میخوانیم:

«بزرگترین پیروزی من زمانی بود که آهنگر دهکده از من خواست، نمونهء کاغذی کشتی زیبای دو تیره یی برایش تهیه نمایم تا از روی آن با استفاده از آهن کشتی بسازد.»

آنتونیو، بعد از به پایان رساندن دورهء ابتدایی مکتب، به دلایل فقر خانواده، شرم زندانی بودن پدر و دور بودن محل زیست از مکتب متوسطه، وادار گردید تحصیل را ترک گوید؛ او میگوید:

«به دلیل زنده گانی منزوی که در دوران کودکی داشتم، خو گرفته ام که احساسم را در پشت صورتی کی از خشونت یا لبخندی طعنه آمیز پنهان کنم. در زمان طولانی این کار صدمه های زیادی بر من زده است، در مدتی دراز این کار روابط مرا با سایر انسانها بسیار پیچیده ساخت.»

پانزده سال داشت، که امکان ادامهء تحصیل برایش فراهم گردید و در بیست ساله گی با اخذ بهترین نتایج شامل دانشکدهء ادبیات شد. هرگاه که فرصتی برایش دست میداد، سرگرم کار خبرنگاری میشد. کسب تجربه در این راستا، باعث رشد سیاسی

آنتونیوگرامشی محسوب می‌گردد. به طوری که بعد از سالهای ۱۹۱۴ میلادی، زمان مساعدی برای تولد گرامشی نوینی، گرامشی به عنوان شخصیت ملی بود. این مرحله، نقطه‌ء عطف فکری و تحول فلسفی او می‌باشد؛ مرحله‌ء تحول انسان با فکر به انسان با عمل، از کار فکری به کار دستی.

گرامشی به مثابه‌ء مرد برجسته‌ء عمل (پراگماتیست)، بیش از هرچیز در آن زمان علاقه داشت که بفهمد، چگونه اندیشه به نیروی عمل تبدیل میشود. تا آن جا که به سالهای تحصیل گرامشی مربوط است، به نظر میرسد که اندیشه‌های او تحول یافته و او را از گرامشی «ساردنیایی» به چهره‌ء ملی بی‌مرز کاملاً مشخصی بدل کرد.

گرامشی، بی‌آنکه گذشته را فراموش و مدفون سازد، سوسیالیست شد. در حالی که دیدگاه سوسیالیستی او وی را از ابهام و محدودیت و ضعف و بعضی صورتهایی که «نهضتِ اعتراضِ ساردینا» در نظر داشت آگاه ساخت.

در ماه جولای ۱۹۱۴ م. فاجعه‌ء «کشتارِ بیهوده» در اروپا آغاز شد و ایتالیا بیطرفی خود را اعلام نمود. گرامشی اولین مقاله‌ء سیاسی خود را تحت عنوان «بیطرفی فعال و پُرمعنی» نوشت:

«مایل نیستند در قمارِ جنگ شرکت کنند، ولی رضا میدهند که دیگران قمار کنند و برنده شوند . . .»

در این مقاله کوشش شده بود، محتاطانه تعبیری از وضع موسولینی کرده باشد:

«... و این در صورتیست که من گفته‌های کم و بیش آشفته و ناپیوسته‌ء او را درست فهمیده باشم و آنها را کنار هم در همان خطی که او در نظر دارد قرار داده باشم.»

یکسال بعدتر، مقاله دیگری را طی جلسه‌ی‌ی که متشکل از نماینده‌گان احزاب سوسیالیست اروپا و مخالف با جنگ بودند، منتشر کرد؛ یکی از اشتراک‌کننده‌گان این اجلاس "لنین" بود.

از سال ۱۹۱۶ م. به بعد بیشتر وقت خود را در عمارتِ خانه‌ء ملت سپری میکرد و مقاله‌های خود را با نام مستعار به چاپ میرساند. اواخر همان سال مجموعه‌ء مقاله‌های خود را به نام «شهرِ آینده» نوشت که محصول قالب آرمانگرایی و شکلگیری فرهنگی او میباشد و اعتقاد به قدرت اراده‌ء سرسخت آدمی به عنوان اهرمی برای تغییر تاریخ و انزجار از خرافه‌های علمی. سه سال بعد به عنوان دبیر هیئت تحریر نشریه‌ء «نظم جدید» توظیف گردید؛ یعنی یگانه هفته‌نامه‌ی که مطالب جدی و روشنفکرانه داشت.

به تاریخ ۲۱ جنوری سال ۱۹۲۰ م. یک روز قبل از سی‌مین سال تولد گرامشی، حزب کمونیست ایتالیا تشکیل شد و آنتونیو گرامشی یکی از هشت عضو حزب انتخاب شد و توانست که نشریه‌ء «نظم جدید» را روزانه به چاپ برساند، که تمام این تشکیلات و امکانش زیر نظر لنین اداره میشد و دساتیر لازم برای بقا و تداوم حزب در ایتالیا از روسیه صادر میگردد.

آنتونیو، در سال ۱۹۲۲ م. به عنوان نماینده‌ء حزب کمونیست ایتالیا در کمیته‌ء اجرایی کمینترن در ماسکو انتخاب و به برلین اعزام شد. در برلین با یولیا شوف آشنا شد و به برکت این مرد باتجربه، جوانی که در گذشته اقرار کرده بود، که بیشتر از حد در ذهن و کمتر از حد در دل زنده گی میکند، توازن درونی نوینی یافت. سال بعد تمام اعضای اجرایی حزب در ایتالیا توسط پلیس دستگیر شدند و گرامشی به ویانا فرستاده شد تا مسایل حزب را از نزدیک تعقیب کند. به این ترتیب این ساردنیایی جوان به بالاترین مقام مسؤول رسید و در سی و دو ساله گی در حقیقت رهبر حزب کمونیست ایتالیا و نماینده‌ء رسمی مجلس بود.

با مرگ لنین و روی کار آمدن استالین و سیاستهای خودخواهانه اش از یک سو و درگیری با موسولینی رهبر بورژواها از سوی دیگر، حزب دچار مشکلاتی فراوانی در روسیه و ایتالیا شد.

فاشیزم با مغتنم شمردن فرصت با وارد آوردن فشارهای زیاد آزادیهای موجود را محدود کرد و در حالی که گرامشی خود را آماده حضور در اجلاس هیئه نهم نوامبر ۱۹۲۶ م. مجلس مینمود، شبانه دستگیر و به جزیره اوستیکا منتقل شد. ۴۴ روز بعد برای بازپرسی به میلان فرستاده شد و پس از یک دوره بازپرسیهای طاقتفرسا محکوم به بیست سال و چهار ماه و پنج روز زندان شد.

پس از دو سال حبس آنچه که برای مطالعه و نوشتن ضرورت داشت، در اختیارش گذاشتند و او تمام سالهای حبس را وقف نوشتن آثار و افکارش نمود. در پایان کار ۳۲ دفتر از او در زندان به جا ماند، که تمامی آنها بر سه محور اساسی نگاشته شده است؛ **نخست:** تاریخ ایتالیای قرن ۱۹ و تکامل گروههای روشنفکری؛ **دوم:** نظریه تاریخ و تاریخنگاری و **سوم:** امریکایی گرایی و فوردگرایی.

هدف اساسی و مسأله عمده برای گرامشی به وجود آوردن جهانبینی نوین طبقه زحمتکش بود، که بیش از هر چیز لازم بود به اذهان کسانی که بر آنان حکومت میشد، نفوذ کند و عقیده لیبرالیستی را محدود نماید.

در سال ۱۹۳۳ م. نسبت شرایط جسمانی بسیار بد به مرکز صحتی در فورمیا منتقل گردید و تا سال ۱۹۳۵ م. در آن جا داخل بستر بود. در مدت بیماریش ۱۱ دفتر دیگر نیز نوشت.

سرانجام در ۲۷ اپریل ۱۹۳۷ هنگامی که دوران آزادی موقت خود را سپری میکرد، در سن چهل و شش ساله گی درگذشت. روز بعد جسدش را در میان توفان ناگهانی که در رم برپا شده بود، سوختاندند.

یادداشت:

در تهیه و نگارش زنده گینامهء مختصر گرامشی، از آثار زیر استفاده گردیده است:

- ۱- کتاب «شهریار جدید» - گرامشی؛ ترجمهء عطا قادی کلایی؛ نشر دنیای نو، سال ۱۳۷۸خ. - تهران؛
- ۲- کتاب «دربارهء آموزش و فرهنگ» - گرامشی؛ ترجمهء م. سرخرودی - ر. آروین. چاپ دوم - ISUS - سویدن ۱۹۸۵م.؛
- ۳- و کتاب «دولت و جامعهء مدنی» - گرامشی؛ که درباره اش در زیر توضیح داده میشود.

رفقا و بازدیدکننده گان گرامی!

نشر کتاب «دولت و جامعهء مدنی»، یکی از جمله آثار پُرازش گرامشی را به منظور اشاعهء اندیشه های این بزرگمرد انقلابی، روی دست میگیریم که از هفتهء بعد نشر آن در سایت انترنتی «نهضت آیندهء افغانستان» آغاز میگردد.

کتاب مذکور، چاپ سوم این اثر بوده، در چاپخانهء «مرتضوی- واقع شهر گلن کشور آلمان در سال ۱۳۷۷ خورشیدی» در ۱۱۶ صفحه به چاپ رسیده؛ مترجم آن محترم عباس میلانی میباشد.

این اثر در بردارندهء فهرست مضامین زیر میباشد، که به ترتیب نشر میگردد:

فهرست:

- ۱- ملاحظه هایی پیرامون برخی جوانب ساختمان احزاب سیاسی در دوره های بحرانهای آرگانیک؛

- ۲- قیصرگرایی؛
- ۳- حکایت سگِ آبی؛
- ۴- تهییج و تبلیغ؛
- ۵- «فلسفهء دوران»؛
- ۶- مبارزهء سیاسی و جنگِ نظامی؛
- ۷- گذار از جنگِ مانوری (حمله های مستقیم) به جنگِ موضعی در حوزهء سیاسی؛
- ۸- سیاست و علوم نظامی؛
- ۹- انترناسیونالیسم و سیاستِ ملی؛
- ۱۰- مسألهء «انسان جمعی» یا مسألهء «همنوایی اجتماعی»؛
- ۱۱- جامعه شناسی و علوم سیاسی؛
- ۱۲- هژمونی (جامعهء مدنی) و تفکیکِ قوا؛
- ۱۳- مفهوم قانون؛
- ۱۴- سیاست و قانون اساسی؛
- ۱۵- پارلمان و دولت؛
- ۱۶- انتقاد از خود و ریاکاری انتقاد از خود؛
- ۱۷- دولت؛
- ۱۸- تشکیل انجمنهای ملی؛
- ۱۹- قانونگذار کیست؟
- ۲۰- دین، دولت و حزب؛
- ۲۱- دولت و احزاب؛
- ۲۲- تجربهء دولرداری؛
- ۲۳- «لیاقتهای» طبقه های حاکم؛
- ۲۴- هنرهای زیبای تاریخی؛
- ۲۵- «خرابکار»؛
- ۲۶- «موج ماتریالیسم» و «بحرانِ سلطه».

* * *

www.ayenda.org